

اهمیت ثبت وقایع به شیوه جاری^۱

دکتر نعمت‌ا... تقوی^۲

۱. مقدمه

آمار وقایع چهارگانه یعنی تولد، مرگ، ازدواج و طلاق از عمده‌ترین و مهمترین آمارهای جمعیتی است که در سطح کشورهای جهان توسط سازمانهای ثبت احوال ضبط می‌شود. از چهار واقعه فوق، دو مورد تولد و مرگ تحت عنوان "آمار حیاتی" معروف هستند.

وقایع چهارگانه در میان رویدادهایی که در طول عمر انسان اتفاق می‌افتند، مهمترین وقایع زندگی محسوب می‌شوند. البته آمار حیاتی نسبت به وقایع دیگر اهمیت بیشتری دارد زیرا تولد و مرگ با بودن نبود انسان سر و کار دارند اما اشخاص می‌توانند بدون ازدواج و طلاق هم زندگی کنند. آمارهای حیاتی در وهله نخست و رویدادهای دیگر در مرتبه بعدی، روی ساختار جمعیت یک منطقه، کمیت و کیفیت، رشد و افزایش آن تأثیر اساسی دارند.

مهمترین سازمانی که در بسیاری از کشورهای جهان مسؤول ثبت و ضبط وقایع چهارگانه و گردآوری اطلاعات مربوط به آنها می‌باشد، سازمانهای ثبت احوال است. روش ثبت وقایع مهم به شیوه جاری (ثبت احوال) در کشور ما قدمت زیادی ندارد و سابقه آن به سال ۱۲۹۷ شمسی می‌رسد. در این سال مجوز تأسیس اداره‌ای به نام "اداره سجل احوال" در شهر تهران صادر شد و در سال ۱۳۰۳ اداره مزبور ایجاد گردید. در سال ۱۳۰۴ این اداره با تصویب قانون مربوط، شکل جدیدی به خود گرفت. در سال ۱۳۰۷ قانون قبلی اصلاح و قانون دیگری جایگزین آن شد که به موجب آن "اداره کل احصائیه و

۱. این مقاله از سخنرانی نگارنده در اولین سمینار آمارهای حیاتی برگرفته شده است.

۲. عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.

سجل احوال مستقیماً تابع وزارت کشور شد (۱۴ - ص ۳۸ و ۱۲ - ص ۸).

سازمان ثبت احوال کشور، مهمترین سازمانی است که از بدو تشکیل تا امروز به ثبت وقایع چهارگانه در ایران می‌پردازد و به‌نظر می‌رسد که اگر اشکالات موجود در فرآیند گردآوری و ضبط اطلاعات مربوط به این رویدادها برطرف شود، می‌تواند آخرین اطلاعات را به شیوه‌ای فعال و دقیق در اختیار برنامه‌ریزان کشور و سیاست‌گذاران و پژوهشگران جامعه قرار دهد.

۲. انواع ثبت وقایع

آمار وقایع چهارگانه را به چند روش می‌توان گردآوری نمود: سرشماری نفوس، آمارگیری نمونه‌ای، مطالعات پیمایشی و ثبت جاری وقایع.

الف. سرشماری نفوس:

سرشماری گونه‌ای از گردآوری داده‌های جمعیتی است که معمولاً هر ده سال یکبار در سطح ملی انجام می‌گیرد و اطلاعاتی را در رابطه با خانوارهای کشور به‌دست می‌دهد. ویژگی‌های اطلاعات حاصل از سرشماری را می‌توان به شرح زیر جمع‌بندی نمود:

۱. اطلاعات به‌دست آمده از سرشماری به‌صورت مقطعی به زمان مشخصی (معمولاً ۱۲ ماه گذشته) مربوط می‌شود و به‌همین جهت نمی‌تواند آنها را به شکلی دینامیک و در حرکت نشان دهد.
۲. به‌علت طولانی بودن زمان مورد سؤال (۱۰ سال گذشته)، کم‌شماری و بیش‌شماری در تولد و مرگ روی می‌دهد.
۳. رویدادهای مربوط به ۱۳، ۱۴، ۱۵ و... ماه گذشته در ردیفهای مورد بررسی (۱۲ ماه گذشته) ثبت می‌شود و به‌همین جهت از دقت کافی برخوردار نیست.
۴. به‌دلیل مهاجرت (درون کوچی یا برون کوچی) برخی از خانوارها یا اعضای آنها، آمار رویدادها غیرواقعی خواهد شد.
۵. نوزادان زنده به دنیا آمده‌ای که بلافاصله پس از تولد فوت کرده‌اند، از قلم می‌افتند.

۶. نوزادانی که در ۱۲ ماه گذشته فوت کرده‌اند ولی مادرشان در حال حاضر عضو خانواده نیست، ذکر نمی‌شوند.

۷. فوت افرادی که تمام اعضای خانواده آنها در گذشته‌اند، ذکر نمی‌شود.

۸. مرگ افرادی که خانواده آنها به دو یا چند خانوار تجزیه شده‌اند از قلم می‌افتد (۱ - ص ۱۴ و ۱۴ - ص ۴۴).

ارقام حاصل از سرشماری سال ۱۳۶۵ نفوس و مسکن کل کشور در مورد میزان مرگ و میر عمومی جمعیت در این مورد قابل ذکر است. به طوری که از جدول زیر برمی‌آید، ارقام مرگ و میر عمومی پایین‌تر از میزانهای واقعی است.

میزان مرگ و میر عمومی کشور در سال ۱۳۶۵ (در هزار)

منطقه	جنس	جمع	مرد	زن
کل		۲/۸۳	۳/۶۳	۲/۰۰
شهر		۲/۹۷	۳/۸۲	۲/۳۸
روستا		۲/۶۷	۲/۹۷	۱/۹۱

در هر حال، وقتی آمار دقیقتری از وقایع حیاتی در دست نباشد و امکان مطالعه از طریق نمونه‌گیری به دست نیاید، می‌توان با اعمال روشهایی برای کاهش هر چه بیشتر نقایص سرشماری (مثلاً به وسیله میزانهای تصحیح شده براساس روش ویلیام براس)، از آن برای شناخت رویدادهای چهارگانه استفاده کرد.

ب. آمارگیری نمونه‌ای

در شرایطی که آمار حاصل از ثبت جاری وقایع از دقت کافی برخوردار نباشد و اطلاعات سرشماری در تمام موارد رفع رجوع ننماید، سازمانهای دولتی و مؤسسات تحقیقات دانشگاهی و آزاد می‌توانند اطلاعات لازم را از طریق نمونه‌گیری در بخشی از جامعه آماری به دست آورند. اما نظر بر اینکه

مطالعات نمونه‌ای هزینه‌بردار و پُرخرج هستند و دشواریهایی در سر راه اجرای آنها وجود دارد، به‌صورت اتفاقی صورت می‌گیرند. برخی از آمارگیریهای نمونه‌ای مهم در سالهای اخیر به شرح زیر هستند:

۱. آمارگیری نمونه‌ای نفوس در سال ۱۳۳۸ توسط اداره کل آمار عمومی.
 ۲. آمارگیری نمونه‌ای سال ۱۳۴۲ در مورد مرگ و میر که میزان مرگ و میر عمومی کل کشور را ۱۴/۸ در هزار اعلام نمود.
 ۳. طرح اندازه‌گیری رشد جمعیت ایران (طرح ارج) که در سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ به‌وسیله مرکز آمار ایران در هفت مرحله و با کاربرد روش پیگیری اجرا شد. براساس این مطالعه، میزان تولد در کشور برابر ۴۱/۸ در هزار و میزان مرگ میر عمومی برابر ۱۱/۵ در هزار محاسبه شده است.
 ۴. طرح میزانهای حیاتی ایران که در سالهای ۵۳-۱۳۵۲ به‌وسیله دانشکده بهداشت تهران به‌اجرا درآمد. میزانهای حیاتی به‌دست آمده از این مطالعه با ارقام حاصل از طرح ارج مشابه بود: ۴۱/۹ در هزار میزان مولید و ۱۲/۰ در هزار میزان مرگ و میر عمومی.
 ۵. طرح اندازه‌گیری تغییرات جمعیت ایران به‌روش تعاقبی طی سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۰.
 ۶. طرح جاری جمعیت در سال ۱۳۷۰ (۱۴ - ص ۴۲ و ۱۲ - ص ۱۰).
- امتیازات مطالعات نمونه‌ای را در برابر مطالعات دیگری نظیر سرشماری و ثبت جاری وقایع، می‌توان به‌شکل زیر ترسیم کرد:

۱. خطای حافظه را به حداقل می‌رساند،
 ۲. تمام وقایع در فاصله آمارگیری می‌توانند نوشته شوند،
 ۳. بازبینی و کنترل کیفیت آمار به‌نحو مطلوبتری می‌تواند صورت گیرد،
 ۴. امکان اصلاح خطاهای اولیه و از قلم‌افتادگی در دوره‌های بعدی وجود دارد (۱۴ - ص ۴۲).
- اما نظر بر اینکه برای مطالعه طرحهای نمونه‌ای دشواریهایی از قبیل گرانی هزینه، کمبود کارشناس، محدودیت زمانی و غیره وجود دارد، اجرای آنها در همه جا امکانپذیر نیست و نمی‌توان از آنها به‌صورت همه‌ساله یا مکرر استفاده کرد.

ج. تحقیقات پیمایشی

برای گردآوری اطلاعات جمعیتی مربوط به وقایع چهارگانه روش دیگری نیز وجود دارد و آن عبارتست

از مطالعات پیمایشی. این تحقیقات ویژگیهایی به شرح زیر دارند:

۱. تعداد آنها در سراسر کشور قليل است،
۲. به صورت منظم در همه استانها توزیع نمی شوند،
۳. داده های آنها قابل اعتماد و تعمیم پذیر نیست زیرا اطلاعات جمعیتی مربوط به رویدادهای مورد بحث از نظر زمانی در بلندمدت و از نظر مکانی در سطحی گسترده و وسیع می تواند معنی دار و صحیح باشد. از این رو در مطالعات پیمایشی که معمولاً کوتاه مدت هستند و در یک جامعه محدود به اجرا درمی آیند، میزانهای حیاتی و جمعیتی یا خیلی کمتر از مقدار واقعی در می آید و یا خیلی بیشتر از آن.

آمار به دست آمده از چند مطالعه پیمایشی که در جدول زیر درج شده، مدعای فوق را به اثبات

می رساند:

میزانهای حیاتی استان براساس مطالعات پیمایشی (در هزار)

مطالعات آجی جای	مطالعات اهرچای	جامعه شناسی روستایی اهر		عملکرد آذربایجان		مطالعه	
		روستایی	شهری	روستایی	شهری	منطقه	شاخص
۴۸/۵	۲۵/۱	۴۸/۵	۴۳/۵	۸۹/۰	۶۰/۰		تولد
۴/۵	۷/۰	۴/۵	۷/۰	۵/۳	۶/۰		مرگ

مأخذ. ۴- ص ۱۱۵، ۶- ص ۷۷، ۵- ص ۶۰ و ۱۰- ص ۷۰.

د. ثبت جاری وقایع

این روش در صورتی که بتواند به شیوه ای دقیق انجام گیرد، بهترین شیوه گردآوری اطلاعات و وقایع چهارگانه محسوب می شود اما در بسیاری از کشورها، از جمله کشور ما مشکلاتی دارد که در صفحات آینده مورد بحث قرار می گیرد.

۳. کارکردهای ثبت وقایع

ثبت وقایع چهارگانه کارکردی دوگانه دارد: از یک سو به نیازهای روزافزون حقوقی افراد پاسخ می‌دهد و از سوی دیگر نیازهای فزاینده جامعه را به آمارهای حیاتی و خانوادگی تأمین می‌کند (۹ - ص ۴۰). به بیان دیگر، مدارک و پرونده‌های ثبت وقایع، نه تنها حافظ منافع افراد در جامعه است، بلکه در اجرای وظایف سازمانها و نهادهای مختلف در سطح ملی و منطقه‌ای نیز اطلاعات بسیار سودمندی در اختیارشان قرار می‌دهد. علاوه بر این، سیستم ثبت احوال، مهمترین آمارهای جمعیتی کشور را نیز تولید می‌کند و در مواردی می‌تواند مبنای محاسبه بعضی از شاخصهای اجتماعی مورد نیاز برنامه‌ریزی قرار گیرد (۱ - صص ۱۴ و ۱۵).

در ارزیابی روشهای ثبت رویدادهای جمعیتی، می‌توان گفت اگر چه کشورهای درحال توسعه کوشیده‌اند و تا حدودی توانسته‌اند نیازهای خود را به آمارهای وقایع چهارگانه با استفاده از آمارگیریهایی نمونه‌ای و یا با توسل به سرشماریها مرتفع کنند، اما در بلندمدت جانشینی برای ثبت جاری وقایع وجود ندارد (۹ - ص ۴۵).

اگر ثبت وقایع چهارگانه کامل و از دقت کافی برخوردار باشد، می‌تواند به عنوان ابزاری مهم در تلفیق با آمارهای جمعیتی دیگر، برای برآوردهای جمعیتی مطمئن به کار رود، زیرا به وسیله این روش می‌توان در هر لحظه از وقایع و تغییرات جمعیت آگاهی پیدا کرد و هر چند یک بار، ترازنامه جمعیت یک منطقه را انتشار داد (۲ - صص ۲۰، ۱۲ - ص ۸).

۴. اشکالات ثبت وقایع به شیوه جاری

با وجود اینکه ثبت وقایع چهارگانه به شیوه جاری سازمان ثبت احوال بهترین روش گردآوری اطلاعات محسوب می‌شود، اما به دلیل اشکالات و دشواریهایی که در ثبت آمار راه پیدا می‌کند، درجه اطمینان آنها را پایین می‌آورد و استناد به آنها را ممتنع می‌سازد. این مطلب را می‌توان در دو مقوله زیر مورد بحث قرار داد: شواهد مزبور به مسأله و عوامل مؤثر در آن.

۱-۴. شواهد:

دلایلی در دست است که براساس آنها می‌توان نواقص و اشکالات ثبت جاری وقایع را به اثبات رساند و مکانیسم آنها را نشان داد:

۱-۱-۴. **نواقص ثبت جاری:** آمار ثبتی در بسیاری از موارد نمی‌تواند دقت کافی داشته باشد زیرا عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر آن تأثیر می‌کند و دقت و صحت آنها را دچار اشکال می‌کند (۱۲ - ص ۸). نواقص ثبت جاری آمارهای ثبتی را می‌توان در مورد آمارهای حیاتی بررسی کرد: سازمان ثبت احوال کشور در ضبط دقیق آمارهای حیاتی توفیق کاملی نداشته و آمارهای ثبت شده همه وقایع کشور را تحت پوشش قرار نمی‌دهد. این امر در نقاط روستایی بیشتر از شهرها و در مورد زنان بیشتر از مردان خودنمایی می‌کند (۱۴ - ص ۳۹). به عنوان مثال، سطح ثبت موالید در سال ۱۳۳۰ حدود ۸۵/۰ درصد بوده که در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۶۶ به ۹۳/۰ و ۹۵/۰ درصد بالغ شده است (۱۳ - ص ۸). میزان مرگ و میر براساس آمارگیری جاری جمعیت در سال ۱۳۷۰، رقمی حدود ۷/۸ در هزار و برپایه آمار ثبتی برابر ۳/۹ در هزار به دست آمده است. مقایسه این دو رقم نشان می‌دهد که میزان ثبت این سیستم برابر $\frac{3/9}{7/8}$ یا ۵۰ درصد است (۱۱ - ص ۳۳). این درحالی است که تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین ثبت جاری و ثبت در مهلت قانونی وجود دارد.

۲-۱-۴. **نسبت جنسی:** ثبت وقایع حیاتی از نظر نسبت جنسی نیز اشکال دارد، زیرا نسبت جنسی ولادتها معمولاً کمتر از میزان مورد انتظار است: حدود ۱۰۰/۳-۱۰۵ ثبت شده در برابر ۱۰۴-۱۰۵ مورد انتظار. در سالهای پیش از انقلاب ثبت موالید دختر کمتر از حد مورد انتظار بود. این روند تا سال ۱۳۵۹ (زمان شروع جنگ و جیره‌بندی کالاهای اساسی) ادامه داشت اما پس از آن ثبت موالید دختر و پسر به حد طبیعی نزدیک شد (۱۲ - ص ۱۲ و ۱۳ - ص ۱۲). آمار ثبت مرگ و میر نیز مانند ولادت برای زنان کمتر از مردان بوده است. آمارهای ثبت مرگ و میر کشور در سالهای ۷۰-۱۳۵۵ نشان‌دهنده کاهش کم‌ثبتی مرگ و میرهای زنان نسبت به مردان است (۸ - ص ۷۸). آمار سالهای اخیر نشان می‌دهد که ارقام سالانه مربوط به مردان معمولاً دو برابر زنان بوده درحالی که نسبت جنسی در کشور اندکی از رقم ۱۰۰/۰ بالاتر است (۱۲ - ص ۱۴).

۳-۱-۴. **نوسانات ماهانه:** آمار نسبت ولادت و مرگ در طول ماههای یک‌سال به یک میزان توزیع نشده است. کمترین تعداد ولادتهای ثبت شده به ماه فروردین و بیشترین مقدار آن به ماه مهر متعلق است. احتمالاً کمی آن در فروردین به تعطیلات عید نوروز مربوط است و زیادی آن در مهرماه، مدرسه و سن دبستانی کودکان می‌باشد. این وضعیت در مورد دختر و پسر یکسان است و تحلیل فوق را تأیید

می‌کند (۱۲ - ص ۱۴).

توزیع مرگ و میر نیز به‌سان تولد غیرمتوازن است: بیشترین تعداد فوت به ماههای دی، بهمن و اسفند مربوط است و کمترین مقدار آن به ماههای خرداد، فروردین و شهریور ارتباط دارد (۱۲ - ص ۱۵).

۴-۱-۴. تأخیر در ثبت: علی‌رغم تصریح قانون ثبت احوال دایر بر ثبت بموقع وقایع، تأخیر در ثبت آنها وجود دارد. به‌طوری که آمار ثبت ولادتها نشان می‌دهد، در سال ۱۳۶۴، ۸۷/۰ درصد ولادتها در دوران نوزادی (زیر یک‌سال) و ۹۸/۶ درصد آنها در سالهای قبل از ۵ سالگی ثبت شده‌اند و ۱/۴ درصد دیگر در سنین بالاتر از ۵ سال به ثبت ولادت اقدام نموده‌اند (۱۲ - ص ۱۳).

درعین حال، آمار معوقه ثبت فوت‌شدگان کشور در سالهای پس از ۱۳۵۷ بیش از آمار فوت‌شدگان همان سالها بوده است. در سال ۱۳۶۳ دو رقم مورد نظر تقریباً برابر شده و از سال ۱۳۶۴ تعداد موارد فوت جاری کمی بیش از تعداد فوت با ثبت معوقه است (۱۲ - ص ۱۵).

۴-۱-۵. ثبت شهری و روستایی: اگر چه میزان مولید و مرگ و میر در نقاط روستایی کشور، در شرایط زیستی و بهداشتی سالهای ۱۳۵۲ تا ۷۱، علی‌الاصول باید بالاتر از میزان مرگ و میر نقاط شهری باشد، لکن در آمارهای ثبتی، این نسبتها برعکس بوده است. این امر به پایین بودن پوشش ثبتی تولد و مرگ در نقاط روستایی دلالت دارد (۸ - ص ۷۲).

۴-۱-۶. افراد فاقد شناسنامه: اطلاعات موجود حاکی از آن است که در سالهای پیش از ۱۳۴۵ حدود ۶/۵ درصد مردم به‌طورکلی فاقد شناسنامه بوده‌اند و از متولدین این سال (۱۳۴۵) تنها ۴۳/۱ درصد در همان سال تولد برای گرفتن شناسنامه مراجعه کرده‌اند و ۵۶/۹ درصد آنها در سالهای بعد موفق به اخذ شناسنامه شده‌اند (۱۳ - ص ۹).

در سال ۱۳۵۸ حدود دو میلیون نفر از متولدین سالهای قبل فاقد شناسنامه بودند که در سال ۱۳۵۹، همزمان با شروع جنگ تحمیلی و جیره‌بندی کالاهای اساسی یکباره برای گرفتن شناسنامه مراجعه کردند (۱۳ - ص ۱۱).

۴-۱-۷. ازدواج: مطالعات اجتماعی بیانگر آن است که نرخ ازدواج در جوامع سنتی از ۹/۵ در هزار

بالتر است ولی با اتکا به آمارهای موجود ثبت احوال، مشاهده می‌شود که نرخ ازدواج کشور ما از ۹ در هزار پایین‌تر است. این امر نشان از عدم ثبت تعدادی از ازدواجها دارد (۳ - ص ۵۵).

۴-۱-۸. تداخل زمانی؛ روز و ماه و سال دقیق وقوع واقعه در مواردی ذکر نمی‌شود.

۴-۱-۹. تداخل مکانی؛ محل وقوع واقعه به دقت ثبت نمی‌شود.

۴-۱-۱۰. تداخل محدوده‌های جغرافیایی؛ تغییر حدود جغرافیایی استان، شهرستان، بخش و دهستانها در طول زمان، باعث برهم خوردن سری زمانی آمارهای تولیدی در مقیاس جغرافیایی معین می‌گردد.

۴-۱-۱۱. عدم هماهنگی میزانها؛ میزانهای به دست آمده برای سالهای مختلف به علت تغییر روشهای ثبت و تعریف مفاهیم، ناهماهنگ هستند.

۴-۲. عوامل

عوامل متعددی وجود دارد که از جهات مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اداری و عقیدتی باعث می‌شوند که در ثبت جاری وقایع اشکالاتی به وجود آید و از درجه اطمینان آنها کاسته شود. این عوامل را می‌توان به شکل زیر طبقه‌بندی کرد:

الف. جغرافیایی:

۱. پراکندگی جغرافیایی جمعیت در سطحی بسیار گسترده.
۲. وجود جمعیت متحرک (عشایر) در برخی از استانهای کشور.
۳. کوهستانی یا کویری بودن برخی از مناطق کشور.

ب. عوامل فرهنگی:

۱. عدم آگاهی مردم نسبت به امر آمارگیری و اهداف آن.

۲. عدم درک ضرورت و اهمیت آمار در سطح کشور.
۳. بیسوادی گروه کثیری از جمعیت، بویژه جمعیت عشایری و روستایی.
۴. وجود برخی از آداب و رسوم و سنتهای محلی نظیر عدم اجازه زن برای پاسخگویی به سؤالات پرسشگران غریبه.
۵. عادت دیرینه مردم به اهمال در این زمینه مانند موکول کردن ثبت رویداد به ماه یا سال دیگر و عدم دقت در پاسخگویی.
۶. اکتفای برخی از افراد به انجام ازدواج از طریق شرعی (صیغه عقد) و عدم ثبت رسمی آن.
۷. عدم ثبت ازدواجهای چند زنی به صورت رسمی.
۸. عدم ثبت ازدواجهای موقت به شکل رسمی.

ج. عوامل اجتماعی - اقتصادی:

۱. فقدان شبکه ارتباطی کامل بین مناطق مختلف کشور.
۲. ضعف الزام قانونی نسبت به ثبت وقایع چهارگانه در کشور.
۳. تأثیر جنگ (اعزام به جبهه) و سربازگیری (اعزام به سربازخانه) در عدم ثبت رویدادها و یا انجام تغییر در آنها.
۴. وجود یا عدم الزامهایی نظیر ثبت نام مدرسه، اعزام به خدمت نظام، سهمیه بندی کالا و غیره برای ثبت رویدادها.

د. عوامل فنی - روش شناختی:

۱. نبودن آمارگران ورزیده برای تفهیم سؤالات و دریافت پاسخ لازم برای آنها.
۲. ضعف تشکیلاتی ثبت وقایع مانند عدم مراجعه مأموران ثبت به دهات و مناطق عشایری به طور دقیق و منظم.
۳. عدم ابطال شناسنامه های مردگان و حفظ شناسنامه های قدیمی به منظور استفاده از کوبین ارزاق آنها و یا تخصیص شناسنامه های قدیمی برای کودکان جدیدالولاده.
۴. نبودن دفترخانه های ازدواج و طلاق در بسیاری از مناطق روستایی و عشایری.
۵. وقفه های ایجاد شده در فعالیتهای محضرهای رسمی (۲ - ص ۲۳ و ۸ - ص ۶۹ و ۳ - ص ۵۴).

پس از ذکر شواهد و عوامل مشکلات ثبت جاری وقایع، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت نکته حایز اهمیت در این مورد آن است که میزان ثبت رویدادها در یک مقطع زمانی و یک منطقه را نباید با وقوع این رویداد در آن مقطع و منطقه یکسان دانست (۷ - ص ۹۲).

نکته لازم به تذکر دیگر این که نقایص ثبت جاری وقایع به صورتی که بیان شد، مختص ایران نیست، بلکه در کشورهای منطقه اسکاب به منظور برآورد میزانهای حیاتی و شاخصهای جمعیتی، به نتایج آمارگیریهای نمونه‌ای و سرشماریهای نفوس متکی هستند زیرا اصلاح سیستم ثبت وقایع در این کشورها نیاز به زمان طولانی و تلاش بسیار دارد. این تدابیر تا زمانی که یک سیستم جامع و مطمئن ثبت احوال ایجاد نشده، باید ادامه یابد. اما این، یک راه حل موقت است و در آینده، همه تلاشها و کوششها باید در جهت توسعه و تکامل سیستم ثبت وقایع حیاتی مصروف شود (۱ - ص ۱۴).

۵. نتیجه

برای گردآوری و ضبط اطلاعات مربوط به وقایع چهارگانه جمعیتی در طول عمر انسان چهار روش عمده وجود دارد، سرشماری، آمارگیری نمونه‌ای، مطالعات پیمایشی و ثبت جاری وقایع. سرشماری، اطلاعات لازم را به صورت مقطعی و برای یک زمان معین به دست می‌دهد؛ آمارگیری نمونه‌ای در عین دقت و صحت، به دلیل پُرهزینه بودن، امکان تکرار منظم ندارد؛ و تحقیقات پیمایشی به علت شمول زمانی محدود، پاسخ مطمئن و قابل تعمیم به دست نمی‌دهد.

شیوه ثبت جاری وقایع مناسبترین و دقیقترین روش گردآوری آمار وقایع چهارگانه است، زیرا داده‌ها را به صورتی پویا و جاری در طول زمان نشان می‌دهد و می‌تواند در هر زمان مورد نیاز، موازنه جمعیتی منطقه‌ای را محاسبه کند. اما اشکالاتی در فرآیند ثبت وقایع در کشورهای در حال توسعه وجود دارد که صحت و دقت داده‌های ثبت را خدشه‌دار می‌سازد. فهرست اشکالات به شرح زیر می‌باشد:

۱. پوشش ناقص وقایع حیاتی.
۲. اشتباه در ثبت رویدادهای مربوط به مرد و زن.
۳. نوسانات ماهانه ثبت وقایع.
۴. تأخیر در ثبت وقایع.
۵. اشتباه در ثبت رویدادهای مربوط به شهر و روستا.
۶. وجود افراد فاقد شناسنامه در جامعه.

۷. عدم ثبت دقیق آمار ازدواج.
۸. تداخل زمانی وقایع.
۹. تداخل مکانی وقایع.
۱۰. تداخل محدوده‌های جغرافیایی.

پانویس:

۱. ارزیابی سیستم ثبت وقایع به‌عنوان منبع آمارهای حیاتی و نقش آن در جامعه، گزیده مطالب آماری، تهران، مرکز آمار ایران، سال یکم، شماره ۸، ۱۳۶۴.
۲. بهنام، جمشید؛ جمعیت‌شناسی عمومی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، چاپ دوم.
۳. تحولات آمار ازدواجهای ثبت شده در دوره ۷۲-۱۳۶۸، فصلنامه جمعیت، تهران، سازمان ثبت احوال کشور، شماره ۱۰، ۱۳۷۳.
۴. تقوی، نعمت...؛ جامعه‌شناسی روستایی شهرستان اهر، تبریز، سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان شرقی، ۱۳۷۰.
۵. تقوی، نعمت...؛ مطالعات اجتماعی - جمعیتی حوزه آبخیزداری آجی‌چای، تبریز، جهاد سازندگی (مهندسين مشاور جامع ایران)، ۱۳۷۴.
۶. تقوی، نعمت...؛ مطالعات اجتماعی - جمعیت حوزه آبخیزداری اهرچای، تبریز، جهاد سازندگی (مهندسين مشاور جامع ایران)، ۱۳۷۳.
۷. ثبت رویداد تولد و تحولات آن، فصلنامه جمعیت، تهران، سازمان ثبت احوال کشور، شماره‌های ۸ و ۹، ۱۳۷۳.
۸. زنجان، حبیب...؛ بررسی مرگ و میر در ایران از ورای داده‌های ثبت احوال، فصلنامه جمعیت، تهران، سازمان ثبت احوال کشور، شماره‌های ۳ و ۴، ۱۳۷۳.
۹. سرای، حسن؛ ثبت وقایع حیاتی، فصلنامه جمعیت، تهران، سازمان ثبت احوال کشور، شماره ۲، ۱۳۷۱.
۱۰. گزارش عملکرد گذشته و وضع موجود بخشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان آذربایجان شرقی، تبریز، شورای عالی برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی، ۱۳۶۱، دو جلد.
۱۱. مروری بر نتایج آمارگیری جاری جمعیت ۱۳۷۰، گزیده مطالب آماری، تهران، مرکز آمار ایران، سال ۹، شماره ۳۵، ۱۳۷۲.
۱۲. معینی، سیدرضا؛ آمارهای حیاتی ثبت احوال و داده‌های سال ۱۳۶۴، گزیده مطالب آماری، تهران، مرکز آمار ایران، سال ۳، شماره ۱۴، ۱۳۶۶.
۱۳. میزانهای زاد و ولد سالانه و روند رشد جمعیت، فصلنامه جمعیت، تهران، سازمان ثبت احوال کشور، شماره ۲، ۱۳۷۱.
۱۴. نوروزی، مجید؛ آمارهای مرگ و میر و تحولات آن در ایران، گزیده مطالب آماری، تهران، مرکز آمار ایران، سال ۹، شماره ۳۴، ۱۳۷۲.